

دانشگاه تهران:

تمامی دانشجویان بازداشتی تجمع روز سه شنبه آزاد شدند



صورت گرفته توسط رئیس دانشگاه تهران، تمامی دانشجویان بازداشتی تجمع روز سه‌شنبه دانشگاه تانیمه‌شب گذشته آزاد شدند.

■ ■ ■

به دلیل رفتار نامناسب با دانشجویان معترض صورت گرفت؛

برکناری مسئولان حراست دانشگاه‌های شریف، علم وصعت و الزهرا

در پی رفتار نامناسب حراست بر خی دانشگاه‌ها در تجمعات روز سه‌شنبه دانشجویان، وزارت علوم دستور بر کناری مسئولان حراست این مراکز را صادر کرد. دانشگاه‌های علم و صنعت، صنعتی شریف و الزهرا از جمله دانشگاه‌هایی هستند که مسئولان حراست آنها بر کنار شدند.

■ ■ ■

افتتاح فاز نخست مجتمع گردشگری چغاخور چهارمحال و بختیاری



وب‌پره‌رداری شد، به گزارش ارن‌ا علیاد اسدسی روز چهارشنبه در آیین افتتاح همزمان طرح‌های چهارمحال و بختیاری با حضور رئیس‌جمهور تاکید کرد: برای اجرای این طرح تاکنون ۱۰ هزار میلیارد ریال از سوی بخش خصوصی تامین و هزینه شده است، وی افزود: مساحت مجتمع گردشگری الماس چغاخور ۴۸ هزار مترمربع و زیربنای تاسیسات آن ۱۲ هزار و ۵۵۰ مترمربع است. اسدی تصریح کرد: در فاز نخست مجتمع گردشگری الماس چغاخور ۴۵ واحد اقامتی ۲ خوابه، ۱۳۳۰ اتاق با ظرفیت ۶۶۰ تخت به بهره‌برداری رسید. وی یادآور شد: امکانات و خدمات مجتمع گردشگری الماس چغاخور در فاز نخست شامل اقامتی، پذیرایی، تفریحی، فضای سبز، رستوران، کافه‌ستنی و کافی شاپ است.

■ ■ ■

نامگذاری خیابانی به نام‌مادر سینه‌ای ایران
همزمان با سی و یکمین سالروز درگذشت رقیه‌چهره از بان‌بزرگ پیشکسوت ایران که عموم تماشگران او را با القیلم «مادر» به یاد دارند، خیابانی به نام این هنر مند نامگذاری شد. به گزارش ایسنا، رقیه فخرالملوک توکلی (۱۲۸۶ - ۱۰ دی ۱۳۷۳) که بانام رقیه‌چهره‌آزاد شناخته‌می‌شود، با یک ایرانی بوداوبه «مادر سینه‌ای ایران» شهرت داشت. چهره‌آزاد برای بازی در فیلم مادر (۱۳۶۸) سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد. او مسسن ترین بازیگری است که برنده این جایزه شده است. یادش گرامی.

■ ■ ■

نوزدهم دی ماه و در خانه هنر مندان؛ بزگداشت ناصر مسعودی برگزار می‌شود



ایین یادبود ناصر مسعودی، خواننده و آهنگساز پیشگام موسیقی گیلان روز جمعه نوزدهم دی در سالن شهناز خانه هنر مندان ایران بر گزار می‌شود. به گزارش ایلندا خانه موسیقی ایران این مراسم را با هدف نکوداشت فعالیت‌های هنری این خواننده و آهنگساز پیشکسوت و بررسی جایگاه او در موسیقی کشور تدارک دیده است و در آن چهره‌هایی از جامعه هنری کشور به بیان خاطرات و نکاتی درباره مسیر کاری و تأثیر گذاری هنری مسعودی خواهند پرداخت. ناصر مسعودی که ششم ادر سال جاری دارفانی را وداع گفت، از چهره‌های اثر گذار موسیقی ایران به ویژه در حوزه موسیقی گیلان و آواز ایرانی به‌شمار می‌رفت.

■ ■ ■

با تصویب هیأت وزیران سند جامع مدیریت زنجیره صنایع دستی ابلاغ شد

هیأت وزیران با هدف سامان دهی، تقویت و توسعه یکپار چه صنایع دستی کشور، «سند جامع مدیریت زنجیره تولید، توزیع، عرضه و صادرات صنایع دستی» را به پیشنهاد وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تصویب و اجرای آن را برای تمامی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط الزامی کرد. به گزارش روابط عمومی وزارت میراث‌فرهنگی، سند یادشده، به‌عنوان سند بالادستی و راهبردی در حوزه صنایع دستی کشور تعیین می‌شود و تمامی دستگاه‌ها، نهاده‌ا و سازمان‌های مندرج در آن، موظف به اجرای دقیق و هماهنگ اقدامات، تکالیف و مسئولیت‌های پیش‌بینی شده هستند. این سند بار و یکدری جامع و زنجیر محور، در پی ایجاد انسجام نهادی، ارتقای بهره‌وری، توسعه بازارهای داخلی و خارجی، تقویت صادرات، صیانت از هویت فرهنگی صنایع دستی و تبدیل این حوزه به یکی از پیشران‌های اقتصاد فرهنگی و اشتغال‌زای کشور تدوین شده است.

■ ■ ■

سید جواد یحیوی:

پیشنهاد همکاری با تلویزیون را نپذیرفتم
سیدجواد یحیوی، مجری سابق تلویزیون به‌اسامع‌ام این خبر که در صداوسیما ممنوع‌التصویر نیستم، گفت: الان اگر بخواهم می‌توانم به تلویزیون برگردم. ولی خودم علاقه‌ای ندارم. دو سه سالی هست که تلویزیون به من پیشنهاد می‌دهد که برگرد و کار کن، ولی من نمی‌پذیرم. به گزارش ارن‌ا، یحیوی که هم‌اکنون مشغول بازی در نمایش «بیا برای هم یک اسم انتخاب کنیم» است بیان کرد: حدود ۱۸ سال است که با تلویزیون همکاری ندارم و این عدم همکاری دلایل زیادی داشته است. زمانی که مجری بودم سال‌ها کنار رفتم که در تلویزیون به نتیجه‌بهتری برسم، ولی خیلی حاصل نشد. الان من و تلویزیون هر دو عطای هم را به‌لقای هم بخشیده‌ایم. این مجری و بازیگر در پاسخ به این سوال که آیا واقعا تلویزیون ۷۰ درصد مخاطب دارد اظهار کرد: مدیران آمار و ارقامی می‌گویند که معلوم نیست مستند باشد. به نظر من این آمار قابل اعتماد نیست.

درباره نمایش «دمنوش آویشن» محمود حیدری

استیصال زیباشناختی یک تماشاگر تئاتر



نویسنده و کارگردان: محمود حیدری

که کمابیش ناپهنگام و تماشایی است. نمایش «دمنوش آویشن» راهم می‌توان ذیل همین مسئله صورتبندی کرد و به وقت تماشا، تجربه بی‌واسطه این کارگردان جوان را از کسب و کارش در حوالی سالن‌های خصوصی نمایش به چشم دید. اجرایی که تعمداً با تأخیر شروع می‌شود و این تأخیر را قسمتی از واقعیت سالن‌های بخش خصوصی می‌داند که به کرات برای گروه‌های اجرایی، سالن‌داران و تماشاگر اتفاق می‌افتد و گویا بدل به رویه ثابتی شده که علاجی هم پرایش یافت نمی‌شود. بنابراین با تری روبرو هستیم که ابایی ندارد از اشاره به وضعیت اسفباری که در سالن‌های خصوصی به دلیل حجم زیاد اجراها و کم بودن زمان جابه‌جایی برای گروه‌های نمایشی در جریان است و بر کیفیت آثار ارائه شده انسان تأثیر منفی دارد و می‌تواند فرهنگ مخربی را پایه‌ریزی کند. سالن‌هایی که گاهی نقاب‌زدگی اجتماعی‌اش پنهان نمی‌کند و به صراحت از تعلق خویش به زندگی کارگری می‌گوید. بنابراین بیش از آن که مجهز به نظریه باشد و از دل تئوری بخواهد به کار خلق یک اثر هنری بپردازد به تجربه زیسته‌اش اعتماد کرده و آثاری قابل توجه‌ای را به تئاتر پایتخت عرضه می‌کند

پس نمایش «دمنوش آویشن» را

می‌توان واکنشی به این مضحکه تمام‌عیار دانست و همدلانه به تماشایش نشست و از ناپسامانی این وضعیت اسفناک، ناخرسند بود. اما نکته اینجاست که واکنش محمود حیدری کین‌توزانه نیست و از قضا شوخ‌طبعانه است. به هر حال یک کتاب‌فروش از تأخیرهای گاه و بی‌گاه اجرهای نمایشی تا حدودی سود می‌برد و این امکان را می‌یابد که به تماشاگران مستاصل و منتظر ورود به سالن، چند جلدی کتاب پیشنهاد دهد و اگر بخت یار بود یکی دو جلدی کتاب هم به فروش رساند و خرج یومیه را آورد. در زیباشناسی محمود حیدری در ساختن تئاتر را می‌توان شکلی از پسامدرنیسم اجرایی دانست. چراکه در این نمایش هم به نوعی با خودار جایی به اجرای موفق «کریم» و کارگردانش که خود محمود حیدری باشد روبرو هستیم که خودآیینی «دمنوش آویشن» را مدام دچار تعلیق می‌کند و به امر بیرونی اشاره دارد.

جالب آن‌که در دو فیلم کوتاهی که از این کارگردان گزیده‌کار در دسترس است این خودار جایی به انحای مختلف مشاهده می‌شود و میل کارگردان را در دستان انداختن خود و بازگوشی با هر آن چیزی که تثبیت شده به نظر می‌آید

تحلیل شبکه و گفتمان بیش از ۱۰۰ هزار توئیت:

مستند «ترانه» چگونه فضای مجازی ایران را قطبی کرد؟

پیوند با جنبش «زن، زندگی، آزادی»

ترانه علیدوستی در گفتمان حامیان‌ش به شدت با جنبش «زن، زندگی، آزادی» گره خورد. بسیاری از کاربران او همراه این جنبش می‌دانستند و مواضع او را نشانه‌ای از زنده بودن آرمان‌های این جنبش تفسیر می‌کردند. صحنه‌راندنگی بدون حجاب اجباری در مستند، به عنوان نماد عاملیت و انتخاب شخصی مورد توجه قرار گرفت.

مقایسه با دیگران و بحث نمادین شدن

ترانه در مقایسه با دیگر چهره‌ها نیز قرار گرفت. برخی او را در مقابل بازیگرانی قرار می‌دادند که سکوت کرده‌اند یا با سیستم همکاری می‌کنند. همچنین، واکنش برخی جریان‌های سلطنت‌طلب به او خود موضوع بحث شد. در نهایت، بسیاری از کاربران بر این نکته تأکید کردند که ترانه از یک بازیگر ساده به یک «نماد» تبدیل شده است؛ نمادی که برای جامعه‌ای تحت فشار معنا و کارکرد روانی خاصی دارد.

بخش دوم: تحلیل ساختار شبکه و روابط بین کاربران

با تحلیل شبکه ارتباطی بین کاربران (که چه کسی چه کسی را ریتوینیت می‌کند یا به او پاسخ می‌دهد)، نقشه‌ای از فضای گفتمانی به دست آمد. این نقشه سه خوشه اصلی را نشان می‌داد که تقریباً با سه گفتمان اصلی مطابقت داشتند.

سه خوشه اصلی در شبکه

خوشه صورتی انبفش عمدتاً شامل کاربران بود که از ترانه علیدوستی حمایت می‌کردند و او را با جنبش «زن، زندگی، آزادی» مرتبط می‌دانستند. این خوشه پر تراکم و پر حجم بود و تعاملات زیادی درون آن اتفاق می‌افتاد. خوشه آبی شامل کاربران اصولگرا و ارزش محور بود که مواضع انتقادی نسبت به ترانه و مستند داشتند. خوشه سبز متعلق به کاربران سلطنت‌طلب بود که آنها نیز از منتقدان ترانه به حساب می‌آمدند.

فاصله و نزدیکی بین خوشه‌ها

نکته جالب در نقشه شبکه، فاصله و نزدیکی بین این خوشه‌ها بود. خوشه سبز (سلطنت‌طلبان) بیشترین فاصله را از خوشه صورتی (هواداران جنبش) داشت. این فاصله ساختاری نشان می‌داد که این دو گروه تقریباً هیچ تعامل مستقیمی با هم نداشتند و در دنیای مجزا بحث می‌کردند. در مقابل، خوشه آبی (اصولگرایان) و خوشه سبز (سلطنت‌طلبان) نسبتاً نزدیک به هم بودند. بررسی تعاملات نشان می‌داد که کاربران این دو خوشه گاه مطالب یکدیگر را ریتوینیت می‌کردند یا به هم پاسخ می‌دادند.

اتلاف غیر منتظره

علیه یک دشمن مشترک

نزدیکی خوشه‌های آبی و سبز را می‌توان به عنوان یک «اتلاف منفی» تفسیر کرد. یعنی دو گروه با ایدئولوژی‌های کاملاً متفاوت (اصولگرایان و سلطنت‌طلبان) به دلیل داشتن دشمن مشترک (در اینجا، روایت قهرمان‌سازانه از ترانه علیدوستی) موقتاً به هم نزدیک شدند. هر دو گروه به دلایل خود با این روایت مخالف بودند؛ اصولگرایان، ترانه را عامل بیگانه و دورویی دانستند و سلطنت‌طلبان، او را رقیبی برای جلب توجه و نمادسازی

مختلف بازیگری را در یک اجرا ممکن کرده‌است.

تلفیقی از بازی‌های رئالیستی و فضای کابوس‌وار که مرد تماشاگر با آن مواجه می‌شود. در این اجرا درها اهمیت دارند و انتظار کشیدن پشت در بسته با عبور از دری که باز شده، قرار دای می‌شود و تافضای واقعیت و کابوس از یکدیگر به تناوب مجزا شده و آشفتگی بیافریند.

اجرا بی آن‌که به مخاطب باج دهد، با نوعی تکنیک مونتانژ، کابوس را در کنار واقعیت حک می‌کند و فی‌المثل دقایق پر از تنش را در بروکراسی اداری یک سالن تئاتر به نمایش می‌گذارد. مرد تماشاگر در این مواجهات متعدد با درهای باز و بسته، عملیّت‌زدایی شده و مشاعرش را از دست می‌دهد. دیگران با جایگاهی سلسله‌مراتبی که در اداره کردن سالن تئاتر دارند گاهی با مهربانی و گاهی با تحکم، مرد تماشاگر را مورد خطاب قرار داده و وظایف او را بعد از اقتضایی که با ماندن طولانی در توالّت بار آورده گوشزد می‌کنند.

وضعیت کافکایی مرد تماشاگر مانند شخصیت «کا» رمان قصر است. به دیگر سخن او می‌خواهد با مدیر این مجموعه فرهنگی ملاقات کند اما در این مسیر به شکل تحمل‌ناپذیری گرفتار موانع پیدا و پنهان می‌شود. فرجام کار به جنون کشیده‌شدن مرد و ادامه یافتن روال عادی سالن نمایش است.

در نهایت می‌توان گفت محمود حیدری با اجرای تازه‌اش که در سالن ۳مجموعه تئاتر لیخند بر صحنه است و تنها شب‌ه شب‌ها اجرا می‌رود بار دیگر توانسته بعد از موفقیت نمایش کریم به صحنه باز گردد و جهان ناپهنگام خویش را در اتصال با نمایش بی‌پدر مساوات برساند. گویان که در صحنه‌های رئالیستی گاهی گرفتار ریتم نامناسب شده و از بهت و شگفتی و اعجاز صحنه‌های کابوس‌وار عقب می‌ماند.

امید که این کارگردان بی‌پیرایه بتواند بیش از این با تجربه پر بار زیسته‌اش به تولید تئاتر مشغول شود و تماشاگران تئاتر را با آوانگار ریسم و آماتور ریسم رادیکالش شگفت‌زده کند. به صرف دمنوش آویشن و به وقت دیدن کابوس‌های تماشایی بی‌پایان.



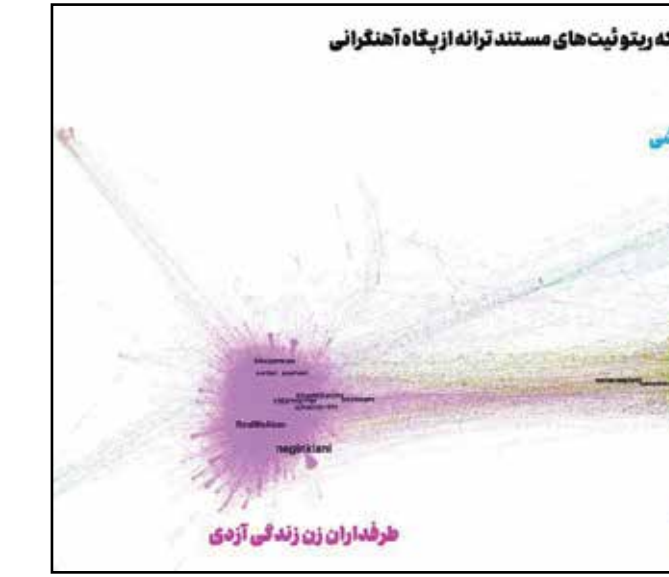
می‌دیدند. این اشتراک در مخالفت، باعث شد که در عمل، همدیگر را در فضای مجازی تقویت کنند.

کاربران پر تعامل و نقش آنها

در هر خوشه، کاربران پر تعامل وجود داشتند که نقش مهمی در گسترش محتوا و شکل دهی به بحث‌ها داشتند. برای مثال، در خوشه آبی کاربران مانند رانفی پور و در خوشه سبز کاربران مانند یار دبستانی فعال بودند. برخی از این کاربران پر تعامل، در عمل به عنوان پل ارتباطی بین دو خوشه آبی و سبز عمل می‌کردند و باعث می‌شدند محتوای انتقادی بین این دو خوشه جریان پیدا کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. تحلیل محتوایی و شبکه‌ای توئیت‌های مربوط به مستند «ترانه» تصویر روشنی از فضای قطبی‌شده توئیتر فارسی ارائه می‌دهد. از یک سو، گفتمان‌های کاملاً متضاد درباره یک فرد شکل گرفته است؛ از قهرمان‌سازی تا تحریب. از سوی دیگر، ساختار شبکه‌نشان می‌دهد که چگونه گروه‌های سیاسی مختلف در مواجهه با یک رویداد فرهنگی، گاه استراتژی‌های غیرمنتظره‌ای در پیش می‌گیرند. ۲. نزدیکی موقت اصولگرایان و سلطنت‌طلبان در این مورد خاص، نمونه‌ای از «اتلاف منفی» است که در فضای مجازی امکان‌پذیر می‌شود. این پدیده نشان می‌دهد که در فضای مجازی، دشمنی‌های سنتی می‌توانند در مقابل یک تهدید مشترک جدید (در اینجا، یک نماد فرهنگی رقیب) البته این اتلاف، اتلافی نیست و موقتی است و احتمالاً به محض تغییر موضوع، از بین خواهد رفت.



۳. نکته آخر اینکه، این ماجرا نشان داد که در فضای مجازی ایران، برخی خطوط قرمز در حال تغییر هستند. تقابل‌ها دیگر فقط بین دولت و مخالفان نیست، بلکه بین گروه‌های مختلف مخالف نیز وجود دارد. در چنین فضایی، درک پیچیدگی روابط و اتلاف‌های موقت، برای تحلیل تحولات اجتماعی و سیاسی ایران ضروری است.